

ادای دینی به پایمردی دکتر مظاهر مصفا در راه زبان و ادبیات فارسی

«مردی ز شهر هرگز و از روزگار هیچ» آرام گرفت



فسانه فرقدان

«ای با گردون فکنده پنجه / سر پنجه خویش کرده رنجه / در تاب و شکنج روزگار / مانده بی تاب و در شکنجه / غم‌هایت آمده ز عمان / شادی‌هایت شده به طنجه»

(مظاهر مصفا)

دکتر مظاهر مصفا، استاد سالیان طولانی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران که در یکم فروردین ۱۳۱۱ در تفرش زاده شده بود، در هشتم آبان ماه ۱۳۹۸ بدرود حیات گفت تا قلمرو زبان و ادبیات فارسی از عرصه بزرگی دیگر خالی شود. شاید کمتر کسی در ایران دکتر مظاهر مصفا را به عنوان شاعر بشناسد؛ اما شعرهای او در بین فارسی‌زبانان افغانستان و هند شهرت بسیار دارد. با درگذشت این استاد فقید زبان و ادبیات فارسی ضروری است که

به معرفی آثار باقی مانده از ایشان پرداخته شود.

قصه زندگی

مظاهر مصفا در زمانی که تنها ۴۰ روز از تولدش می‌گذشت، خانواده‌اش به قم نقل مکان کردند. پدر وی در اداره «سجل احوال» (سازمان ثبت احوال) کاری کرد.

مصفا دوران تحصیلات اولیه خود را در مدرسه حکیم نظامی قم سپری کرد و سپس دوران متوسطه را در دارالفنون گذراند و به دانشسرای عالی رفت و به تحصیل در رشته ادبیات مشغول شد؛ و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی تا اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران ادامه داد و با تأیید بدیع الزمان فروزانفر به پایان نامه‌ی «عنوان تحول قصیده در ایران» موفق شد مدرک دکتری خود را اخذ کند.

هم‌زمان با ادامه تحصیل، به استخدام آموزش و پرورش درآمد و مدتی هم رئیس اداره فرهنگ قم بود

و چندی هم ریاست مدرسه عالی قضایی قم را به عهده داشت.

وی فرزند اسماعیل مصفا و برادرزاده نکیسای تفرشی (خواننده مشهور دوره قاجار و پهلوی اول) و نوه حاج ملا جبعلی تفرشی (تغزیه خوان مشهور در دربار ناصری و تکیه دولت و همچنین مؤذن مخصوص محمدعلی شاه قاجار) است. برادر بزرگتر وی ابوالفضل مصفا (مصفا)، و خواهر وی خانم مصفا (مادر فؤاد حجازی، آهنگساز) از استادان زبان و ادبیات فارسی هستند. او در جوانی با دکتر امیربانو کریمی (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)، دختر امیر میر فیروز کوهی (شاعر معروف معاصر)، ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندان شد که از آن جمله‌اند: علی مصفا (بازیگر سینما و تلویزیون و همسر لیلا حاتمی)، کیمیا مصفا، گلزار مصفا دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی، امیراسماعیل مصفا دارای مدرک دکتری فیزیک و استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف (متخصص در زمینه تئوری ریسمان).

شاید کمتر کسی در ایران دکتر مظاهر مصفا را، اما شعرهای او در بین فارسی‌زبانان افغانستان و هند شهرت بسیار دارد

از دیگر سوابق علمی و اجرایی وی می‌توان به ریاست پردیس فارابی دانشگاه تهران (پردیس قم) و دبیری دبیرستان‌های تهران، ریاست انتشارات و مدیریت مجله آموزش و پرورش، دانشیاری دانشگاه شیراز و ریاست دبیرخانه مرکزی دانشگاه شیراز اشاره کرد.

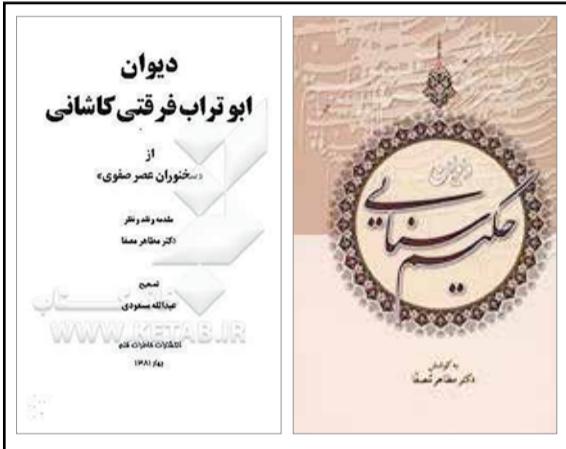
جایگاه شعری

مظاهر مصفا یکی از قصیده‌سرایان شاخص ایرانی بعد از ملک الشعرای بهار است. وی در افغانستان و هند و دیگر کشورهای فارسی‌زبان نیز دارای شهرت است. قصیده «هیچ» یکی از شعرهای اوست که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه‌روشن به بررسی

آن پرداخته و پروفیسور صلاح الصاوی (شاعر و سخن‌سنج مصری) در کتاب العدمیه فی شعر آن را ترجمه، نقد و بررسی کرده است. از آثار دکتر مصفا می‌توان به کتاب «پاسداران سخن» اشاره کرد که به شاعران ایران از رودکی تا دوران معاصر می‌پردازد که نشر کسرایی منتشر کرده است. کتاب «توفان خشم» که شامل چهل چکامه از ایشان است و نشر سینا منتشر کرده است.

مجموعه شعر «ده فریاد»، مجموعه شعر «سپیدنامه»، مجموعه شعر «سی پاره» مجموعه شعر «سی سخن»، کتاب «شب‌های شیراز» که نشر حکمت منتشر کرده است، کتاب «قند پارسی»، کتاب «تسبیح»، مجموعه چهارپاره‌های «سخه اقدم» نشر نو منتشر کرده است. تصحیح دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی، تصحیح مجمع الفصحاء که چندین جلد است و انتشارات امیرکبیر به چاپ رسانده است. تصحیح بوستان و گلستان سعدی که انتشارات زرین و سیمین به چاپ رسانده است. تصحیح کلیات سعدی، تصحیح دیوان نزاری، قهستانی، تصحیح دیوان سنایی، تصحیح کلیات سعدی، تصحیح جوامع الحکایات عوفی که در چندین جلد است.

شعر تاریخی و مشهور «یا مرگ یا مصدق» برگرفته از بیتتی از یکی از شعرهای مظاهر مصفا بود که در آن سروده بود: «آزادگان به راحت، از جان خود گذشتند/ یا خون خود نوشند، یا مرگ یا مصدق».



شعر تاریخی و مشهور «یا مرگ یا مصدق» برگرفته از یکی از شعرهای مظاهر مصفا بود که در آن سروده بود: «آزادگان به راحت، از جان خود گذشتند/ یا خون خود نوشند، یا مرگ یا مصدق»

دکتر مصفا در جزوه‌ای که در سال ۱۳۵۷ منتشر کرد، در حاشیه یکی از شعرهایش با موضوع «مصدق» در این باره چنین توضیح داده بود: «اشاره است به شعار معروف «یا مرگ یا مصدق»... این همان قصیده است که گوینده در مجلس درس استاد فقید شادروان بدیع الزمان فروزانفر بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ به خواندن آن آغاز کرد و خشم و خروش استاد را برانگیخت و ۹ سال از درس و کار بازماند.»

اشاره مظاهر مصفا به اختلاف نظر او در مقام دانشجوی دکتری با بدیع الزمان فروزانفر در مقام استاد دانشگاه بر سر موضوع پایان نامه و نیز جدل لفظی با او بر سر شعر گفتن در ستایش مصدق است که باعث می‌شود فروزانفر با او قهر کند و بدین ترتیب اخذ درجه دکتری مصفا ۹ سال عقب بیفتد.

مراسم تشییع و خاکسپاری استاد مصفا بر اساس اعلام خانواده وی، دیرروز جمعه در شهرستان تفرش زادگاه وی انجام شد.

نگاه

در آستانه برگزاری جایزه جلال آل احمد؛ نیم‌نگاهی به «ره‌ش»، برنده سال قبل

آبان مصدق

«ره‌ش» آخرین رمان رضامیر خانی است که برنده جایزه جلال آل احمد در سال ۹۷ شده است. این رمان نیز همچون رمان‌های دیگر رضا امیرخانی در نشر افق منتشر شده است. این رمان ماجرای زن و شوهری را روایت می‌کند که اختلافاتی عمیق بین آن‌ها به وجود آمده و رفته رفته خصومت میانشان شدت می‌گیرد. ایلیا، پسر کوچک و بیمارشان، تنها عامل پیوند و پایداری آنان به زندگی مشترک است. این اختلافات در نهایت به قهر شوهر و ترک خانه و تنها ماندن مادر و فرزند می‌انجامد. نام شوهر علا است و نام زن لیا که در واقع اوست که داستان را روایت می‌کند. هر دو دانش‌آموخته رشته معماری اند و قبلاً هم کلاس بوده‌اند.

چند سالی است به کاشانک در شمال تهران رفته‌اند و آنجا زندگی می‌کنند. علا معاون شهردار منطقه یک است و هر کاری می‌کند تا به پیشرفت شغلی برسد. لیا هم که تا چند سال پیش کار می‌کرده، حالا در خانه به مراقبت از فرزندشان مشغول شده و فقط گاهی به‌طور پراکنده طراحی می‌کند. خانه کاشانک از اموال پدر لیا است و خودش هم ماشین دارد و هنگام دعواهای زن و شوهری، این حریم‌های است برای سرکوفت زدن به علا. علا هم در راستای همسویی با همکارانش سعی می‌کند به‌ظاهر زندگی ساده‌ای داشته باشد، ولی در اصل به دنبال پست و میز و ریاست است. علا حتی با همکاری آقای فرازنده، که در همسایگی آن‌ها جرئت‌بازی کرده و هر روز حیاط خانه‌شان را کثیف می‌کند مخالفتی ندارد، در حالی که لیا از این شرایط کلافه شده است. به این ترتیب، مدام رابطه بین زن و مرد شکر آب است. عقیده لیا (که هدف رمان هم هست) این است که شهر تهران باید اصالت خود را حفظ کند و نباید باغ‌ها و بافت قدیمی تهران به این شکل تخریب شوند و جای آن‌ها را آپارتمان‌ها به قول خودش قوطی کبریت‌ها بگیرند. زیرا پیامدهای محیط‌زیستی هم به همراه دارد و آیندگان و از جمله فرزند خودش قربانی خواهند شد.



ایلیا، پسر پنج‌ساله‌شان، دچار بیماری «آسم کودکان است» و در بخش‌هایی از داستان، وابستگی دوطرفه بین مادر و پسر به وضوح مشهود است. در این بین، اختلافات طبقاتی که لیا هنگام ازدواجشان نادیده گرفته، اکنون سر برآورده است: علا یک پسر شهرستانی است و لیا یک بالاشهری و البته مذهبی که می‌خواهد این سبک را در زندگی مشترکش نیز پیاده کند.

اتفاقات ادامه داستان، به اختلافات علا و لیا دامن می‌زند. اتفاق مهم جریان زمین‌وقعی برای احداث پارک است که قبلاً زمین بازی بچه‌ها بوده، اما شهرداری قصد دارد خرابش کند. لیاد مهمانی مدیران شهرداری، از فرصت استفاده می‌کند و شهردار منطقه اجازه تحقیق در این گونه موارد را می‌گیرد.

بعد از جست‌وجوی زیاد می‌فهمد این باغ به بنیادی سپرده شده و حالا آن‌ها زمین را به شهرداری داده‌اند. لیا با تخریب آن مخالف است، حتی دست به دامن رئیس بسیج منطقه می‌شود تا این زمین را بگیرند و نگذارند در آن ساخت‌وساز شود. همین امر موجب ناراضی شدید علا می‌شود که چرا با یک گروه تندروی سیاسی همکاری کرده و موقعیتش را زیر سؤال برده و در عین بی‌توجهی به نیازهای ایلیا، خانه را ترک می‌کند. زن می‌ماند و بچه‌های کوچک و بیمار.

